



چگونه کتاب بخوانیم

مارتیمر جی. آدلر

چارلز لینکلن ون دورن

مترجم: محمد صراف تهرانی

۲۵ سطح خواندن محارل: ابعاد برنامه ریزی و راهبردهای I: ابعاد برنامه

۲۵ راجع به برنامه: II: ابعاد برنامه

۲۶ در مقابل اصطلاح برنامه و ارائه و مشخصات

۲۶ کردن و ارائه های اساسی برنامه و ارائه و ارائه

۲۶ های فنی و ارائه و ارائه و ارائه

۱۱ {یادداشت مترجم}

۱۳ {مقدمه}

{بخش اول}

{ابعاد خواندن}{۱۹}

۲۱ {فعالیت و هنر خواندن}

۲۳ خواندن فعال

۲۵ اهداف خواندن

۲۹ خواندن به عنوان یادگیری

۳۳ معلمان حضوری و غیرحضوری

۳۵ {سطوح خواندن}

۴۱ {اولین سطح خواندن}

۴۱ خواندن ابتدایی

۴۵ مراحل یادگیری خواندن

۴۷ مرحله و سطح

۴۹ سطوح بالاتر خواندن و آموزش برتر

۵۱ خواندن و آزمون دمکراتیک آموزش

۵۳ {دومین سطح خواندن}

۵۳ خواندن اجمالی

۵۴	خواندن اجمالی I: سریع خوانی یا پیش خوانی اصولی
۵۹	خواندن اجمالی II: خواندن سطحی
۶۱	تندخوانی
۶۳	حرکات چشم هنگام خواندن
۶۴	مشکل فهم مطلب
۶۶	خلاصه خواندن اجمالی

۶۹	{چگونه می توان خواننده های فعال بود؟}
۷۰	اساس خواندن فعال: چهار سؤال مهمی که خواننده مطرح می کند
۷۳	چگونه می توان روی کتابی احاطه پیدا کرد؟
۷۶	انواع یادداشت برداری
۷۸	ایجاد عادت خواندن
۷۹	رعایت قواعد و کسب عادت

{بخش دوم}

{سومین سطح خواندن، خواندن تحلیلی}{۸۳}

۸۵	{طبقه بندی کتاب}
۸۶	اهمیت رده بندی کتاب
۸۸	از عنوان کتاب چه مطالبی را می توان فهمید؟
۹۳	مقایسه کتاب های کاربردی و کتاب های نظری
۹۹	انواع کتاب های نظری

۱۰۵	{فهم دقیق کتاب}
۱۰۹	طرح و نقشه: بیان وحدت موضوع کتاب
۱۱۵	تسلط بر جوانب و نظرگاه های گوناگون کتاب
۱۲۳	هنرهای دوجانبه خواندن و نوشتن
۱۲۶	کشف منظور نویسنده
۱۲۸	اولین مرحله خواندن تحلیلی

اولین سطح خواندن تحلیلی یا قواعد پیداکردن موضوع کتاب ۱۲۹

{توافق با نویسنده} ۱۳۱

۱۳۲	واژه در مقابل اصطلاح
۱۳۶	پیدا کردن واژه‌های اساسی
۱۳۹	واژه‌های فنی و لغات ویژه
۱۴۳	پیداکردن معانی

{تعیین پیام نویسنده} ۱۵۱

۱۵۴	جمله در مقایسه با معنی آن
۱۵۹	پیداکردن جملات مهم و اساسی
۱۶۳	پیداکردن اهداف نویسنده
۱۶۷	پیداکردن استدلال‌ها
۱۷۵	پیداکردن راه‌حل‌ها
۱۷۶	دومین مرحله خواندن تحلیلی
۱۷۶	دومین مرحله خواندن تحلیلی یا قواعد فهم مطالب کتاب

{نقد منصفانه کتاب} ۱۷۹

۱۸۱	خصوصیت تعلیم‌پذیری
۱۸۳	نقش علم معانی بیان
۱۸۴	اهمیت قضاوت مشروط
۱۸۹	اهمیت خودداری از جدل و ستیزه‌جویی
۱۹۱	درباره حل اختلاف‌ها

{موافق یا مخالف بودن با نویسنده} ۱۹۷

۲۰۰	تعصب و داوری
۲۰۲	قضاوت درباره درستی فکر نویسنده
۲۰۶	قضاوت در مورد کامل‌بودن کار نویسنده
۲۰۹	سومین مرحله خواندن تحلیلی

۲۱۵ {کمک‌هایی برای خواندن}

۲۱۷ نقش تجارب مربوط به موضوع

۲۲۰ استفاده از کتاب‌های دیگر به عنوان کمک خارجی در خواندن

۲۲۲ از تفاسیر و خلاصه‌ها چگونه استفاده کنیم؟

۲۲۴ از کتاب‌های مرجع چگونه استفاده کنیم؟

۲۲۶ از فرهنگ لغت چگونه استفاده کنیم؟

۲۳۱ از دایرةالمعارف چگونه استفاده کنیم؟

{بخش سوم}

{۲۳۹} روش‌هایی برای انواع مختلف مطالب خواندنی

۲۴۱ {کتاب‌های کاربردی را چگونه بخوانیم}

۲۴۳ دو نوع کتاب کاربردی

۲۴۸ نقش تشویق

۲۵۱ موافقت با مطالب کتاب کاربردی به چه عواملی موکول می‌شود؟

۲۵۵ {آثار تخیلی را چگونه بخوانیم}

۲۵۷ آثار تخیلی را با چه روش‌هایی نباید خواند

۲۶۱ قواعد کلی برای خواندن ادبیات تخیلی

۲۶۹ {پیشنهادهایی برای خواندن: داستان، نمایشنامه و شعر}

۲۷۲ کتاب‌های داستان را چگونه بخوانیم

۲۷۶ سخنی درباره شعر حماسی

۲۷۸ نمایشنامه‌ها را چگونه بخوانیم

۲۸۱ سخنی درباره تراژدی

۲۸۳ اشعار تغزلی را چگونه بخوانیم

۲۹۱ {کتاب‌های تاریخ را چگونه بخوانیم}

۲۹۳ واقعیت‌های تاریخی گمراه‌کننده هستند

۲۹۵ تئوری‌های تاریخ

۲۹۷ کلی‌بودن تاریخ

۳۰۰ سؤالاتی که در مورد کتاب تاریخ باید مطرح شود

۳۰۳ بیوگرافی یا اتوبیوگرافی را چگونه بخوانیم

۳۰۸ آثار مربوط به حوادث جاری را چگونه بخوانیم

۳۱۳ مطلبی درباره خواندن خلاصه مقالات

۳۱۷ {علوم و ریاضیات را چگونه بخوانیم}

۳۱۹ فهم آثار مشهور علمی

۳۲۰ چند پیشنهاد برای خواندن کتاب‌های کلاسیک علمی

۳۲۳ روش رویارویی با مشکل ریاضیات

۳۲۷ استفاده از ریاضیات در کتاب‌های علمی

۳۳۰ مطالبی راجع به کتاب‌های علمی عامه‌پسند

۳۳۵ {فلسفه را چگونه بخوانیم}

۳۳۷ سؤال‌هایی که فیلسوفان مطرح می‌کنند

۳۴۲ فلسفه جدید و سنت‌های بزرگ

۳۴۳ درخصوص روش فلسفی

۳۴۶ درخصوص سبک‌های فلسفی

۳۵۳ نکاتی درباره خواندن فلسفه

۳۵۹ نکاتی درباره تصمیم‌گیری

۳۶۰ نکاتی درباره الهیات

۳۶۱ کتاب‌های اعتقادی را چگونه بخوانیم

۳۶۵ {علوم اجتماعی را چگونه بخوانیم}

۳۶۶ علوم اجتماعی چیست؟

۳۶۹	ظاهر ساده خواندن علوم اجتماعی
۳۷۰	مشکلات خواندن علوم اجتماعی
۳۷۴	خواندن متون علوم اجتماعی

{بخش چهارم}

{اهداف نهایی خواندن}{۳۷۷}

۳۷۹	{سطح چهارم خواندن}
۳۷۹	خواندن تلفیقی
۳۸۴	نقش خواندن اجمالی در خواندن تلفیقی
۳۸۷	پنج مرحله خواندن تلفیقی
۳۹۵	ضرورت رعایت بی‌طرفی
۳۹۸	مثالی برای خواندن تلفیقی: مفهوم پیشرفت
۴۰۱	مجموعه سینتاپیکن و روش استفاده از آن
۴۰۵	اصول زیربنایی خواندن تلفیقی
۴۰۸	خلاصه خواندن تلفیقی

۴۱۱	{خواندن و پرورش ذهن}
۴۱۲	کتاب خوب چه کاری می‌تواند برای ما انجام دهد؟
۴۱۶	هرم نمودار کتاب‌ها
۴۱۹	زندگی و رشد فکری

{یادداشت مترجم}

بعضی مشکلات چنان عمومیت دارند و گریبان گیر جامعه هستند که مردم آنها را احساس نمی‌کنند و نمی‌بینند. در حقیقت می‌بینند ولی آنها را عادی می‌پندارند و تصور می‌کنند که باید چنان باشند. از آن جمله، مسئله «خواندن» است یا بهتر بگوئیم این است که مردم تصور می‌کنند می‌دانند چگونه بخوانند، درحالی‌که اکثراً این هنر را ندارند و خواندن آنها در حد خواندن ابتدایی است. مهم‌تر اینکه دست‌اندرکاران آموزش و پرورش نیز از کنار این مشکل به‌سادگی گذشته و آموزش خواندن را در مدارس ابتدایی، ساده‌اندیشانه کافی دانسته‌اند. در بسیاری کشورها، به دلیل اهمیت موضوع، ساعات خاصی را در برنامه هفتگی مدارس و حتی دانشگاه‌ها به این امر مهم اختصاص داده‌اند.

مسئله مهم شناخت درد است و سپس پیدا کردن راهی برای مداوای آن. باید دانست و تفهیم کرد که خواندن مهارتی است که باید آن را آموخت و تمرین کرد. هیچکس فقط با تذکراتی چون «دقت کنید» و «خوب بخوانید» نمی‌تواند خواننده

خوبی بشود. باید بدون اغراق گفت اگر خواندن با روش‌های مختلف پیشنهادی این کتاب در مورد مطالب گوناگون انجام گیرد، درک مطلب به میزان قابل توجهی در زمانی متناسب با متن افزایش می‌یابد. انجام این کار آن قدر ساده و نتایج آن چنان فراوان است که اغلب باعث تعجب می‌شود. این جانب با توجه به مطالب فوق به ترجمه این کتاب پرداختم. امیدوارم کوشش من در این زمینه مورد پسند واقع شده، نواقص آن به دیده اغماض گرفته شود. در پایان از کمک‌های مادی و معنوی معاونت محترم فرهنگی آستان قدس رضوی تشکر می‌کنم.

محمد صرّاف تهرانی

{مقدمه}

«چگونه کتاب بخوانیم» برای نخستین بار در ماه‌های اول سال ۱۹۴۰ انتشار یافت. با تعجب و خوشحالی متوجه شدم که فوراً بالاترین فروش را به دست آورد و بیش از یک سال در رأس فهرست پر فروش‌ترین کتاب‌های سراسر کشور باقی ماند. از سال ۱۹۴۰ به بعد، چاپ‌های متعدد آن، چه با جلد نفیس و چه معمولی، به‌طور وسیعی ادامه داشته است.

این کتاب به زبان‌های دیگری مانند سوئدی، آلمانی، اسپانیایی و ایتالیایی ترجمه شده است. حال باید دید چه نیازی سبب شده این کتاب برای خوانندگان نسل حاضر دوباره نوشته و طراحی شود؟

دلایل این امر را باید در تغییراتی پیدا کرد که در سی ساله اخیر، هم در جامعه و هم در خود موضوع کتاب، پدید آمده است. امروز بسیاری از مردان و زنان جوانی که دوره دبیرستان را تکمیل کرده‌اند، وارد دانشکده‌ها می‌شوند و دوره چهارساله آن را به پایان می‌برند. گروه بیشتری از مردم باسواد شده‌اند. تغییر علاقه نیز از خواندن قصه به خواندن مطالب واقعی رخ داده است. متخصصان تعلیم و تربیت کشور اعتراف کرده‌اند که آموزش خواندن به جوانان، به

شکل بسیار ابتدایی، بزرگ‌ترین مسئله آموزشی است. وزیر بهداشت و آموزش و رفاه، دهه ۱۹۷۰ را به‌عنوان دهه خواندن اعلام کرده است و قسمتی از سرمایه دولت را به پشتیبانی از فعالیت‌های مختلفی اختصاص داده است که در پیشبرد این مهارت اساسی مؤثر است. بسیاری از این کوشش‌ها، در مرحله‌ای که کودکان در هنر خواندن مبتدی هستند، موفقیت‌هایی از خود بر جای گذاشته است. به‌علاوه بزرگ‌سالان با تضمین‌های خوبی که کلاس‌های سریع‌خوانی دادند به این کلاس‌ها جذب شدند؛ تضمین‌هایی مبنی بر اینکه درک و فهم آنها را از آنچه می‌خوانند افزایش دهند و با همان سرعتی که متنی را می‌خوانند، آن را دریابند.

به‌هر حال در سی سال اخیر برخی موضوع‌ها تغییر نیافته است. یکی از این موضوع‌ها که ثابت مانده این است که: برای رسیدن به تمام هدف‌های خواندن، غایت مطلوب باید توانایی خواندن مطالب مختلف با سرعت‌های گوناگون متناسب با مطلب باشد، نه خواندن هرگونه مطلبی با حداکثر سرعت. همان‌طور که پاسکال سیصد سال پیش اظهار کرد: «وقتی خیلی سریع یا خیلی کند می‌خوانیم چیزی نمی‌فهمیم».

از آنجایی که سریع‌خوانی یک سرگرمی عمومی شده است، چاپ جدید کتاب «چگونه کتاب بخوانیم» مشکلات خواندن را بررسی و به‌عنوان راه‌حل، انواع مختلف سرعت در خواندن را ارائه می‌کند و هدف را بهتر خواندن و همیشه بهتر خواندن می‌داند، اما گاهی اوقات با سرعت کمتر و زمانی با سرعت بیشتر.

متأسفانه موضوع دیگری که تغییر نکرد، قصور در ادامه آموزش خواندن از دوره مقدماتی به دوره‌های بالاتر است. بیشترین امکانات آموزشی، سرمایه و فعالیت صرف آموزش خواندن در دوره ابتدایی می‌شود. بعد از این دوره، آموزش کلاسیک کمی به دانش‌آموزان داده می‌شود تا آنها به مراحل بالاتر و کاملاً ممتاز خواندن برسند. بی‌سبب نبود که پروفیسور جیمز مورسل از دانشسرای دانشگاه کلمبیا، در سال ۱۹۳۹ مقاله‌ای تحت عنوان «قصور مدارس»^۱ برای مجله

آلاتیک مانتلی نوشت. آنچه او در آن زمان در دو پاراگراف گفت و من می خواهم آنها را اینجا ذکر کنم هنوز حقیقت دارد.

آیا دانش آموزان در مدارس، خواندن زبان مادری شان را به طور مؤثر یاد می گیرند؟ آری و خیر. تا کلاس های پنجم و ششم خواندن عموماً به شکل مؤثری تدریس و به خوبی نیز یاد گرفته می شود. در دوره ابتدایی پیشرفت عمومی و مداومی دیده می شود، اما بعد از این دوره، منحنی های نمودار به حالت یکنواختی درآمده، متوقف می شوند. این توقف به این دلیل نیست که زمانی که نوجوان به کلاس ششم می رسد، وارد دوران محدودیت کارایی خویش می شود. به دفعات ثابت شده است که با آموزش های مخصوص، نوجوانان و بزرگسالان می توانند به پیشرفت های زیادی نائل شوند. مفهوم آن نیز این نیست که تمام دانش آموزان کلاس های ششم به اندازه کافی برای رسیدن به اهداف عملی، خواندن را به خوبی فرا گرفته اند. تعداد زیادی از دانش آموزان دبیرستانی چون توانایی دریافت مفاهیم کتاب ها را ندارند، پیشرفتشان بسیار اندک است. آنها می توانند پیشرفت کنند و نیاز هم دارند، ولی پیشرفت نمی کنند.

دور از انتظار نیست که دیپلمه معمولی بسیار خواننده باشد و اگر به دانشگاه راه پیدا کند، آنجا نیز بیشتر بخواند. اما احتمالاً او خواننده ای ضعیف و ناپخته است (باید در نظر داشت که صحبت ما درباره فردی معمولی است، نه شخصی که خواندنش به شکلی تحت مراقبت قرار گرفته باشد). او می تواند داستانی ساده را دنبال کند و از آن لذت ببرد؛ اما اگر او را به خواندن مطلب دقیق تشریحی یا یک بحث دقیق و اقتصادی یا مطلبی که به بررسی تحلیلی احتیاج دارد وادار کنید، گیج و حیران می شود. به عنوان مثال، معلوم شده است دانش آموز متوسط دبیرستان در درک ایده اصلی یک عبارت یا قسمت های مهم و غیر مهم یک بحث با تفسیر، به شکل عجیبی عاجز می ماند. درواقع او در تمام طول تحصیل در دانشکده خود همان دانش آموز دوره ابتدایی باقی می ماند.

اگر سی سال پیش به کتاب «چگونه کتاب بخوانیم» نیاز بود - آن چنان که استقبال از اولین چاپ کتاب به درستی نشان‌دهنده چنین نظری بود - امروزه این احتیاج بسیار بیشتر احساس می‌شود؛ اما پاسخ به این نیاز شدید، تنها دلیل نوشتن این کتاب نیست. انگیزه اصلی در بازنویسی کتاب، بینشی نو در مسائل و مشکلات یادگیری چگونه خواندن، تحلیل جامع‌تر و منظم‌تری از هنر پیچیده خواندن، به‌کارگیری قواعد بینایی به شکلی انعطاف‌پذیر برای انواع مختلف خواندن و در حقیقت برای هر نوع مطلب خواندنی، کشف و تنظیم قواعد جدید خواندن و شناخت هر مکتب‌هایی است که باید خوانده شود؛ هر می که در قاعده وسیع و در بالا باریک می‌گردد. چون در کتابی که سی سال قبل نوشتیم پیرامون تمام این مطالب به اندازه کافی بحث شده بود یا اصلاً در مورد آنها صحبتی به میان نیامده بود، لازم دیدیم در بازنویسی کتاب توضیح مناسبی درباره آنها بیاورم. اکنون این کار انجام شده و کتاب آماده انتشار است. سال بعد از چاپ «چگونه کتاب بخوانیم»^۱ کاریکاتوری با نام چگونه دو کتاب بخوانیم^۲ چاپ شد و پروفیسور آی. ای. ریچارد^۳ مجموعه مقالاتی با نام «چگونه یک صفحه بخوانیم» نوشت. این دو مورد را به این دلیل ذکر کردم که نشان دهم به مسائل خواندن در هر دو عنوان اشاره شده است؛ هم در آن کاریکاتور و هم در آن مطلب جدی پروفیسور ریچارد. این مطالب در این بازنویسی کاملاً مورد بحث قرار گرفته است. به خصوص چگونه خواندن تعدادی کتاب که با یکدیگر ارتباط دارند به طریقی که مطالب مکمل و متضاد در یک موضوع واحد، به سادگی درک شود.

تأکید بر مطالب مرتبط با هنر خواندن که باید گفته شود و نکاتی که لازمه کسب مهارت سطوح بالاتر این هنر است، از دلایل دیگر بازنویسی این کتاب است که در نسخه اصلی کتاب بحثی از آنها نشده بود. کسی که می‌خواهد بداند چه مطالبی به کتاب افزوده شده است، این کار را می‌تواند با سرعت و با مقایسه دو فهرست مندرجات کتاب فعلی با قبلی انجام دهد. از

1. How to read a book
2. How to read two books
3. I.A.Richards

چهار بخش کتاب، تنها بخش دوم که قواعد خواندن تحلیلی را شرح می‌دهد کاملاً با مطالب نسخه اصلی قابل تطبیق است هر چند در آن هم، تغییرات بنیادی زیادی داده شده است. مقدمه بخش اول کتاب که درباره اختلاف در چهار سطح خواندن مقدماتی، اجمالی، تحلیلی و تلفیقی بحث می‌کند، تنها تغییر اساسی و هدایت‌کننده‌ای است که در سازماندهی و کل محتویات کتاب به کار گرفته شده است. ارائه راه‌های مختلف برای دستیابی به انواع مطالب خواندنی از جمله: کتاب‌های کاربردی و نظری، ادبیات (اشعار غنائی و حماسی، داستان، نمایشنامه)، تاریخ، علوم، ریاضیات، علوم اجتماعی و فلسفه و همچنین کتاب‌های مرجع، روزنامه‌نگاری متداول و حتی آگهی در بخش سوم اضافه شده است. بحث خواندن تلفیقی در بخش چهارم نیز کاملاً جدید است.

در نوپردازی و بازنویسی و بنیاد جدید این کتاب، چارلز دورن که سال‌هاست همکار من در مؤسسه تحقیق‌های فلسفی است، کمک کرد. ما قبلاً در مورد کتاب‌های دیگری هم با یکدیگر کار کرده‌ایم، که مهم‌تر از همه، وقایع آمریکا در بیست جلد است که مؤسسه دایرةالمعارف بریتانیکا در سال ۱۹۶۹ آن را چاپ کرد. آنچه شاید جرأت بیشتری در پرداختن به این کار به ما داد این بود که من و چارلز، به‌عنوان دو نویسنده، در هشت سال اخیر در اداره گروه‌های بحث و هم‌اندیشی راجع به کتاب‌های بزرگ شرکت داشتیم و ریاست سمینارهای اجرایی آن در شهرهای شیکاگو، سان‌فرانسیسکو و اسپن به عهده ما بوده است. در این مدت، تجارب جدیدی کسب کرده‌ایم که در بازنویسی این کتاب استفاده شده است. از آقای ون دورن برای شرکت در این کار مشترک سپاسگزارم. هر دوی ما برای تمام انتقادهای سازنده، راهنمایی‌ها و کمک‌هایی که از جانب دوستان آرتور ال. اچ. رابین شد و ما را به ایجاد تغییرهای مهم در این کتاب ترغیب کرد و سبب تمایز این کتاب از چاپ پیشین شد قدردانی می‌کنیم. به امید کتابی بهتر و مفیدتر.